



مرکز ملی پرورش استعداد های درخشان و دانش پژوهان جوان

میثاق نامه

سپادی ها

باشهداء، امام شهدا

و مقام عظامی ولایت

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای

بسم الله الرحمن الرحيم

رب ادخلنی مدخل صدق و اخرجنی مخرج صدق وجعلنی من لدنک سلطان نصیرا

ضمن خیرمقدم به تمامی عزیزان شرکت کننده در گردهمایی مدیران و مسؤولین سازمان

ملی پرورش استعدادهای درخشان و عرض ادب و خیرمقدم ویژه به جهت حضور جناب

آقای دکتر حاجی بابایی وزیر فرهیخته و ولایی آموزش و پرورش و ریاست محترم هیئت

امنای سازمان معاونین محترم و هیئت همراه.

نمایی از ظلمت دیروز

- بنای پرورش استعدادهای درخشان را برای عهد ولیعهد پهلوی نهادند و امروز

داستان راستان آن را مرور می کنیم که:

آنچه خدا خواست همان می شود

تهران ۱۳۵۵ - نیمه مهرماه

مرکز استعدادهای درخشان الوند - افتتاح سمپاد

به سازمان خوش آمدید بچه ها.

شما رجال عهد ولیعهد ایران خواهید بود برای تربیت درست شما از اساتید خوب

آمریکایی بهره خواهیم برد، معلمین زبان آمریکایی، کتابدار آمریکایی، معلم رقص

آمریکایی، مشاور مدرسه آمریکایی.

مدرسه‌ای داشتیم که کتابخانه‌اش «قرآن» نداشت و در صبحگاهش دعا برای شاهنشاه می‌کردند و صف‌هایمان را به سوی غرب می‌چیدند و زنگ اول درس تباهی می‌خواندیم و به ما نمی‌گفتند کسی می‌گوید:

- «هر ملتی سرنوشتش با خودش است هر چه ما داریم از اسلام داریم و اسلام در خطر است»

- تا صدایی دگرگونه شنیدیم، یک سیدی بود خمینی‌نام فقط با ناز نفسش همه را آدم کرد و صبحگاه دیگر که آمدند بچه‌ها به جای هورا، هو کردند.
- فرزاد با بچه‌های هم کلاسیش عکس شاه را از پنجره کلاسها به بیرون فراری دادند. و سهیل و سیدمهدی با بچه‌های هم‌کلاسیش درس «انقلاب اسلامی» می‌خواندند.

- و از درس رقص به بزم رقص گلوله‌ها پا گذاشتند.

- و برای کتابخانه، «قرآن» هدیه آوردند و مشق عشق می‌کردند.

اما آنچه خدا خواست همان می شود

روایت عشق

در گرمای خرداد ماه ۱۳۶۶ که هم اخبار جبهه و جنگ و هم اوضاع آن روز را همه به یاد دارند، در پنجشنبه‌ای رئیس وقت سازمان به دفتر رئیس‌جمهور وقت که امروز مفتخر به سربازی رکاب ولایتی اوئیم، مشرف می‌شود. به او می‌گویند آقا بسیار گرفته و خسته از اخبار و اوضاع می‌باشند. زمان مناسبی برای طرح هیچ مسئله‌ای نیست. اصرار نتیجه می‌دهد، پس از ساعتی رئیس‌جمهور وقت و پدر و حامی اصلی فرزندان نخبه این مرز و بوم در کشاکش اخبار شلمچه و جنگ اعلام می‌کنند بهترین خبر را امروز شنیده‌اند و آن طرح مسئله ایجاد سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان است، آقا سؤال می‌فرمایند اولین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی چه زمان است، می‌گویند روز سه‌شنبه (۵ روز بعد) آقا می‌فرمایند موضوع در دستور اولین جلسه قرار گیرد شاید جزء نادرترین‌ها در قرار گرفتن طرحی در شورای عالی انقلاب فرهنگی باشد، در اسناد آن روزها که نگاه کنیم، تاریخ نامه ارجاع موضوع سازمان در روز جمعه خورده است، این‌ها همگی توجه و عشق رئیس‌جمهور وقت و رهبر فرزانه انقلاب به امر شایسته‌سالاری علمی و ایمانی را می‌رساند، روایت می‌کنند با مدیریت حضرت آقا چگونه موضوع سازمان در جلسه شورا به تصویب رسید و امروز همه فرزندان سمپاد در کشور و همه خادمین به این نسل هیچگاه فراموش نمی‌کنند که اگر نبود حمایت‌های رهبر فرزانه انقلاب و هدایت‌های ایشان، امروز نه سازمانی بود و نه...

«به یاد آلاله‌های سرخ و شاهدان شهید سمپاد»

شقایق اول ما:

فرزاد اصغری

جنت همان مهران است، نمی‌دانند اینهایی که می‌گویند فلانی شهید شد و رفت بهشت، بهشت همان «مهران» بود. جنت همان «مهران» بود. ارتفاعات مهران هم شوخی نیست.

یک پای فرزاد مادرزادی کوتاه‌تر بود. ۳۰ کیلو وزن کوله به همراه وزن خودش، اما فرزاد خیلی سبک شده بود خیلی راحت صعود کرد.

آنقدر سبک شد که نرم نرمک، به آسمان رفت و دیگر برگشت.

در وصیتش به ما گفت:

ای عزیزانیکه مرا می‌شناسید حلالم کنید.

شما مراقب باشید معصیت خدا را نکنید، مراقب عبادات خود باشید. مراقب نماز خود

باشید، مراقب انقلاب باشید مبدا مشکلات شما را دل‌سرد کند.

شقایق دوم ما:

سهیل نوریانی

تا صلاهی ورود امام همیشه سالارمان را زدند و به چشم برهم‌زدنی انقلاب به بار رسید، سهیل و بچه‌ها افتادند به برپا کردن نماز جماعت، مطالعه و مسجد رفتن. دوران دبیرستان او به مطالعه عمیق در علوم اسلامی و دروس قدیم گذشت در انتخاب بین دانشگاه و حوزه مفتخر شد به راه علماء و درس قدیم را به جلوه دروس دانشگاهی واگذارد.

اواخر که بچه‌ها در مرکز می‌دیدندش از لطافت روحی و سعادت‌مندی او در حیرت و غبطه فرو می‌رفتند. سهیل که اینک بچه‌ها و هم‌کلاسهایش «علی» صدایش می‌زدند مرغی بهشتی و نوایش صدایی ملکوتی و دیگر بود. ارتباط عاطفی او با شهید دیالمه و رزم در تحت امر و فرماندهی سالار بی‌مانندی چون حاج حسین اسکندلو از یادگارهای دوران نوجوانی اوست و دست آخر پیمان خون به برات عشق بست و همراه با آن دلدادگان عاشورایی در فکه میعادگاه عاشقان به آسمان پرواز کرد.

شقایق سوم ما:

سیدمهدی میرخانی

خوب می‌دوید و پرتلاش و با اُبَهِت بود. انجمن اسلامی مرکز هم کانونی فعال در زمینه‌های فرهنگی و علمی بود. سیدمهدی از همین جا وارد دانشگاه شد دانشکده فنی دانشگاه تهران رشته مهندسی مکانیک. این چنین بچۀ سالار و درس‌خوانی بود. دوران دانشجویی‌اش کوتاه بود.

شوق جبهه امانش را برید و با بچه‌های خوب سمپاد به خط عشق زد. این همه ماجرا نبود. دوباره و دوباره رهسپار شد. در جبهه درس نهج‌البلاغه می‌گفت، شوقی داشت که خستگی در آن راه نمی‌یافت. آخری‌ها که سری به مرکز زده بود می‌گفت دلم هوای پریدن کرده است. همینطوری هم پیش رفت. شیمیایی شد و عاقبت به بخیر. یک سید درس‌خوان، پرتلاش، فوق‌العاده باحیا و مؤدب، دانشجوی خوب دانشکده فنی، فارغ‌التحصیلی ممتاز علامه‌حلی هوای بهشت را دم‌زده و شیمیایی شده بود. چند روز پیش با مادرش سخن گفتم گفت در شب عاشورای سال ۴۵ به دنیا آمد و در اردیبهشت سال ۶۷ در حالی که بینایی خود را از دست داد در جوار حرم رضوی چشم به عبودیت گشود.

بچه‌ها

ما هرگز شما را فراموش نخواهیم کرد، بزرگان ما که آمدند و این کانون فساد را به محلی مبارک و زمینه‌ساز سعادت‌مندی دانش‌آموزان مستعد این مَلک مُبدل ساختند شما را فراموش نخواهند کرد.

مهم این است که شما ما را فراموش نکنید. وقتی دانستن اسم ما و گفتن آن از دهان شما شفاعت نام می‌گیرد و یگانه راه نجات ما می‌شود مبدا نام ما را فراموش کنید.

«امروز نیز سیدی است خامنه‌ای نام که فقط با سرانگشت اشاره‌اش

فرزندان سمپاد جانشان را نثار می‌کنند».

جناب وزیر؛

امروز مفتخریم اعلام نماییم نهال نوپای سمپاد در کوران انقلاب شکوهمند اسلامی به درختی تنومند بدل گردیده و همواره به رسالت خود که تعلیم و تربیت فرزندان مستعد این مرزوبوم اسلامی عمل نموده است.

خادمین به این نسل همواره به خود می‌بالند از طی این راه پرثمر پس از سالیان تلاش و افتخار در عرصه‌های علم و ایمان، همین برایمان بس است که حلاوت سخنان فرزند زهرا(س) توشه راه، نور نگاه و آرام‌بخش جانمان گردیده است.

به خدمتگزاران این نسل فرموده‌اند:

* مشوق و قدردان و زمینه‌ساز و فراهم‌کننده وسایل اصحاب استعداد باشیم والا این استعدادها هدر می‌روند.

می‌فرمایند:

* ما احتیاج به استعدادهای درخشان در همه رشته‌ها داریم ... میدان را جلوشان باز نگهدارید ... این تکلیف مسئولان را سنگین می‌کند.

به جوانان قرآنی سمپاد می‌فرمایند:

* شما تیزهوش‌ها، شما با استعدادها، مشعل قرآن را در دلتان نگهدارید.

به سیاه‌نمایان در خصوص فرار مغزها می‌فرمایند:

* علی‌رغم سیاه‌نمایی‌ها، رَقْمِ عظیمی از صاحبان استعداد بالا با همه وجود مشغول کارند.

به کسانی که این نحوه پرورش استعدادها را خلاف عدالت می‌دانند، می‌فرماید:

* این نحوه آموزش و پرورش خاص را باعث ضایع شدن استعدادها می‌دانند و آنگاه که ملاک پرورش استعداد باشد ولاغیر آن را عین عدالت می‌داند.

برندگان المپیادها و رتبه‌های نخست آزمون‌های سراسری را:

* مایه لذت و خوشحالی و آن را خیر کمی نمی‌دانند.

به جوانان صاحب هوش وافر و استعداد بالا می‌فرمایند:

* این خصیصه یک ثروت معنوی و یک سرمایه است.

این جوانان صاحب اندیشه و هوش و استعدادها را:

* فرزندان خود می‌نامند.

در توصیه‌های اخلاقی متعدد به این نسل صاحب استعداد می‌فرمایند:

* این استعدادها یک ذخیره و ودیعه الهی است. از آن نگهداری کنید.

* عزیزان من، شماها نخبه‌اید، عزیزید و نور چشم ما هستید اما یادتان باشد هرچه عالم‌تر و

نخبه‌تر می‌شوید، متواضع‌تر شوید.

راستی چقدر پس از این همه فرمایش به خود می‌بالیم که مورد عنایت ایشانیم. خدا کند بتوانیم

قردان این همه سخاوت و تمجید، آن هم از سوی ولی امرمان باشیم.

مدیران و دست‌اندرکاران پرورش استعدادهای درخشان این بزرگ‌آشیانه تعلیم و تربیت به

عنوان بدنه وزارت تحت امر حضرت‌عالی آماده استماع سخنان راهگشا و مطالباتان از مراکز

می‌باشند تا به تکلیف خود عمل نمایند و به تربیت «افسران جوان جنگ نرم» در رکاب

ولی امر مسلمین جهان حضرت آیت‌الله العظمی **خامنه‌ای** پردازند.

سیلاب‌گیر نیست زمین بلند ما

ما از شراب لعل به همت گذشته‌ایم

صلوات

رضوی - دبیرستان علامه حلی تهران